محور دستاوردهاي پيش‌بيني شده براي تحوّل در علوم انساني

با اجراي پروژه جامع و ملّي شتابدهي تحوّل علوم انساني و بازسازي اين علوم مبتني بر انديشه‌ها و باورهاي اسلامي، آثار فراواني حاصل خواهد شد كه عناوين ذيل از مهم‌ترين آن‌ها خواهند بود.

1. تحوّل در مديريت دولتي و خصوصي به نحوي كه شيوه مديريت امروزين برچيده شده و مديريت جهادي جاي آن را خواهد گرفت. به نحوي كه اين تغيير در ساختارها بوده و نياز به فشار و تحميل نخواهد داشت. مديريت جهادي مشابه همان روشي در مديريت است كه نمونه آن در جنگ تحميلي و در جبهه‌ها مشاهده شد. مدير همواره بيشتر از سطوح پايين سازمان كار مي‌كند و كمتر بهره مي‌برد و مصرف مي‌كند. در حالي كه در مديريت غربي كه امروز در كشور حاكم است اين روند برعكس است.
2. در اقتصاد تعريف انسان عوض مي‌شود از «انسان اقتصادي» كه هدف او بهره بيشتر از دنياست، به انسان مولّد كه هدف او تلاش براي توليد بيشتر و آباداني زمين است. انسان خودپرست تبديل به انسان فداكار مي‌گردد و بر همين اساس تعريف پول هم عوض مي‌شود. بانك‌ها جاي خود را به صندوق‌هاي نذر و وقف مي‌دهند و مردم به جاي سپرده‌گذاري در بانك به هدف سود مادي، مبادرت به نذر و وقف مي‌كنند تا سودي معنوي كسب كنند.
3. در عرصه ديپلماسي و علوم سياسي، رابطه جديدي با كشورهاي ديگر تعريف خواهد شد؛ رابطه‌اي مبتني بر انسانيت. جامعه مي‌پذيرد كه مهم‌ترين آرمان در روابط بين‌الملل حمايت از مستضعفان جهان است، به اين‌كه دست مستكبرين از ظلم و ستن برچيده شود. هر جا ستمگري هست، ضرورتاً بايد ديپلماسي حاضر باشد و از مظلوم دفاع كند.
4. علم حقوق تبديل به علم تكليف مي‌شود و به جاي بيان حق افراد به بيان تكاليف آن‌ها مي‌پردازد. انسان‌ها اگر تكاليف خود را بدانند و عمل كنند؛ در عرصه خانواده و اجتماع، بسياري از فعاليت‌هاي حقوقي و قضايي برچيده خواهد شد.
5. مرزهاي جغرافيايي رنگ خواهند باخت و از نگاه علوم انساني تحوّل يافته، مرزي وجود ندارد و همه انسان‌ها با هم در ارتباط و رفت و آمد هستند. با محو شدن مرزهاي جفرافيايي سيل مهاجرت‌هاي ايماني به سرزمين ايران افزايش خواهد يافت، افرادي كه براي حفظ ايمان خود علاقه به زندگي نزديك به ولايت فقيه دارند.
6. بسياري از بيماري‌هاي رواني منقرض خواهد شد. با تغيير نگرش‌هاي علوم انساني و رفتارهاي مبتني بر آن، علل و اسباب بيماري‌هاي رواني تقريباً به صفر خواهد رسيد.
7. هنر و معماري متناسب با نياز انسان مؤمن بازطراحي خواهد شد و رويكردهاي انقلابي جديدي پيدا خواهد كرد كه بسيار متفاوت با هنر غيراخلاقي امروز غرب است.
8. نظريه‌هاي تازه‌اي در عرصه علوم اجتماعي زندگي انسان را در گذشته، حال و آينده بازتفسير خواهد كرد و به جاي انسان غارنشين، انسان آگاه و نبي را به عنوان جدّ بشر معرفي خواهد كرد كه تحوّلات فراواني در سبك زندگي به همراه خواهد داشت.

به همين ترتيب در تمامي شاخه‌هاي علوم انساني تحوّلات عظيمي را در مفاهيم و تعاريف شاهد خواهيم بود.